

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته بیان شد که در قرآن کریم، حکماتی وجود دارد که به وضوح بر عصمت مطلق پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) دلالت دارند. از این آیات چنین استنباط می شود که مطلق رجس از وجود مقدس این ذوات مطهره دور است. این اطلاق شامل تمامی مصادیق رجس، از جمله وسوسه های شیطانی نیز می شود. بدین معنا که وسوسه های شیطانی و اندیشه گناه در قلوب پاک و معصوم این بزرگواران راه ندارد.

علاوه بر این، بر اساس دلالت آیات، شیطان نیز از ورود به حریم این نفوس قدسی ناتوان است. آیه شریفه «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» [1] به صراحت از ناتوانی شیطان در اغوای مخلصین سخن می گوید. ظاهر آیه نشان دهنده آن است که شیطان در برابر مقام مخلصین قدرتی ندارد و اگر توان اغوای آنان را داشت، قطعاً چنین می کرد. بنابراین، مقام اخلاص جایگاهی است که شیطان در برابر آن عاجز است و به آن راهی ندارد.

با توجه به این مبانی، آیاتی که ظاهرشان این گونه می نماید که مثلاً «إِلَّا إِذَا تَمَنَّى وَالْفَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ» (سوره حج، آیه ۵۲) باید در پرتو محکمت قرآنی تفسیر و تأویل شوند تا با اصول ثابت عصمت معصومین هماهنگ باشد. این ضرورت، ریشه در قاعده اصولی تقدیم محکمت بر متشابهات دارد و از قواعد قطعی فهم نصوص دینی محسوب می شود.

بررسی آیات شریفه 97 و 98 سوره مبارکه مومنون

آیات ۹۷ و ۹۸ سوره مبارکه مؤمنون «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ» از جمله آیاتی هستند که در ارتباط با وسوسه های شیطانی نسبت به پیامبر به عنوان متشابهات مطرح شده اند، این آیات در بیشتر ترجمه ها اینگونه معنی شده اند «بگو خدایا من به تو پناه می برم از وسوسه های شیطانی و پناه می برم از اینکه شیاطین در نزد من حاضر شوند»؛ در حالی که این نوع ترجمه با عصمت مطلق ایشان سازگار نیست.

بررسی معنای لغوی «همزات»

واژه «همزات» جمع «همزه» است و در لغت به معنای «دفعه» یا «ضربه» آمده است. در صحاح اللغة بیان شده است: «هَمْزَةٌ، أَي دَفْعُهُ وَضَرْبُهُ» [2] و در مجمع البیان نیز آمده: «الهمزة شدة الدفع و منه الهمزة للحرف الذي يخرج من أقصى الحلق باعتماد شديد و دفع و همزة الشيطان دفعه بالإغواء إلى المعاصي» [3]، یعنی دفع شدیدی که همراه با شدت باشد. از نظر کاربرد زبانی، واژه «همزه» به حرفی اطلاق می شود که از انتهای حلق با فشار و دفع خارج می شود، سوال اساسی در این آیات این است که با توجه به اینکه در این آیات «شیاطین» هم بصورت جمع آمده است، آیا «همزات الشیاطین» به معنای ضربات و دفعات شدید شیاطین برای اغوا و گمراهی است، یا معنای دیگری می توان نیز برداشت کرد؟

نظر علامه طباطبایی در تفسیر آیه

علامه طباطبائی در المیزان، همزات شیاطین را دفعه‌ها و اغواءات شیاطین در گمراه کردن انسان دانسته است.

قال في مجمع البيان: الهمزة شدة الدفع، و منه الهمزة للحرف الذي يخرج من أقصى الحلق باعتماد شديد و دفع، و همزة الشيطان دفعه بالإغواء إلى المعاصي انتهى.

و في تفسير القمي، عنه (ع): أنه ما يقع في قلبك من وسوسة الشياطين.

و في الآيتين أمره (صلی الله علیه و آله) أن يستعين بربه من إغواء الشياطين و من أن يحضره، و فيه إيهام إلى أن ما ابتلي به المشركون من الشرك و التكذيب من همزات الشياطين و إحاطتهم بهم بالحضور. [4]

مرحوم علامه طباطبائی از طبرسی چنین نقل می‌کند که «همزة شیطان»، به معنای تحریک و اغواگری او برای انجام گناه است. علامه بیان می‌کند که در تفسیر قمی از قول امام (علیه السلام) آمده است که «همزة شیطان» به معنای آن چیزی است که به‌صورت وسوسه در قلب انسان قرار می‌گیرد. با این حال، بررسی نسخه‌های تفسیر قمی نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، خود مفسر از تعبیر «قال» استفاده کرده که بیانگر نظر شخصی اوست، نه نقل قولی از معصوم.

مرحوم علامه می‌فرماید: در تفسیر این آیات، ایهامی وجود دارد که به شرک و تکذیب مشرکان اشاره دارد. به این معنا که شرکی که در میان مشرکان دیده می‌شود و تکذیبی که از سوی آنان نسبت به حقایق الهی صورت می‌گیرد، از همزات شیاطین سرچشمه می‌گیرد. بر اساس این تحلیل، مشرکان تحت تأثیر همزات شیاطین قرار دارند و این وسوسه‌ها در میان آن‌ها شیوع دارد.

نکته قابل توجه این است که آیه نفرموده است «رب إني أعوذ بك من همزات الشياطين» به‌گونه‌ای که این همزات در قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد، بلکه خداوند از پیامبر می‌خواهد از این همزات شیاطین به خدا پناه ببرد. بر این اساس، این همزات می‌تواند به معنای وسوسه‌ها و اغواگری‌هایی باشد که در میان مشرکان و در رفتار و باورهای آنان نمود پیدا می‌کند.

بیان روایتی در فهم مراد از «همزات الشياطين»

در «در المنثور» سیوطی در تفسیر این آیه روایتی نقل شده است.

أخرج ابن أبي شيبة وأحمد و أبو داود و الترمذي و حسنه و النسائي و البيهقي في الأسماء و الصفات عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده قال كان رسول الله صلى الله عليه و سلم يعلمنا كلمات نقولهن عند النوم من الفزع بسم الله أعوذ بكلمات الله التامة من غضبه و عقابه و شر عباده و مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ و أَنْ يَحْضُرُونِ [5]

نقل شده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کلماتی را برای پناه بردن از ترس و فزع در هنگام خواب به مسلمانان آموزش می‌دادند. از جمله این کلمات چنین است: «بسم الله أعوذ بكلمات الله التامة من غضبه و عقابه و شر عباده و من همزات الشياطين و أن يحضرون». این دستور الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) که «قُل» به کار رفته است، نشان می‌دهد که نه تنها ایشان مأمور به پناه بردن از همزات شیاطین هستند، بلکه این دستور برای تعلیم عموم مردم نیز صادر شده است.

نظر حضرت استاد در تفسیر آیه

نکته ظریفی که در مورد معنای «همزات الشياطين» نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) وجود دارد؛ این است که همزات شیاطین برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به معنای وجود مشرکان، شرک، کفر، و تکذیب‌های آنان نسبت به رسالت ایشان است. تکذیب مشرکان نسبت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خود یکی از مصادیق همزات شیاطین است.

عبارت «همزات الشیاطین» به صورت جمع آمده است، که دلالت بر تعدد شیاطین دارد. این تعدد نشان می‌دهد که همزات شیاطین در مورد پیامبر (صلی الله علیه و آله) به معنای وسوسه درونی نیست، بلکه به معنای اغواگری‌های متعددی است که از سوی مشرکان و دشمنان رسالت اعمال می‌شود. بنابراین، صحیح نیست که بگوییم شیاطین به معنای وسوسه‌گران در قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله) نفوذ کرده‌اند، بلکه این تعبیر به ایذاء و تکذیب‌های خارجی مشرکان و دشمنان اشاره دارد.

در تفسیر کشف آمده است که شیاطین مردم را به سوی معاصی تحریک و تشویق می‌کنند و آنان را بر انجام گناه ثابت‌قدم می‌سازند. به بیان دیگر، شیاطین نقشی مشابه چوپان در تحریک گله به حرکت ایفا می‌کنند.

. و المعنى أنَّ الشَّيَاطِينَ يَحْتُونُ النَّاسَ عَلَى الْمَعَاصِي وَيَغْوِيهِمْ عَلَيْهَا، كَمَا تَهْمُزُ الرَّاضَةَ الدَّوَابَّ حَتَّى لَهَا عَلَى الْمَشْيِ [6]

اینکه چرا خداوند به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دستور می‌دهد که چنین دعایی را بخواند، نشان‌دهنده آن است که این آیه نه به جهت وجود وسوسه یا تأثیر شیاطین در قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بلکه برای حفظ مردم از وسوسه‌های شیاطین است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) با زحمات فراوان مردم را به ایمان و هدایت دعوت می‌کردند، اما شیاطین با تحریک مردم به سوی شرک، گناه و تکذیب، تلاش می‌کردند زحمات پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از بین ببرند. بنابراین، این دعا به نوعی درخواست حفاظت از مردم در برابر وسوسه‌ها و اغواگری‌های شیاطین است تا ایمان آنان پایدار بماند.

در این آیه نکات و مؤیداتی است که نشان می‌دهد منظور از همزات الشیاطین، وسوسه‌های شیاطین در قلب مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست. اولاً، شیاطین به صورت جمع ذکر شده‌اند که نشان‌دهنده گستردگی وسوسه‌ها و تحریکات شیاطین در میان مردم است و ارتباطی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ندارد. ثانیاً، عبارت «وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ» به وضوح به حضور و اجتماع کفار و مشرکان اشاره دارد که به وسیله تحریک شیاطین، موانعی در برابر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایجاد می‌کنند. این اجتماع تهدیدی جدی برای تلاش‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و دعا برای پناه بردن از این اجتماع، در راستای حفظ مأموریت الهی تفسیر می‌شود.

فخر رازی در تفسیر خود، موضوع همزات الشیاطین در ارتباط با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را به دو وجه تقسیم کرده است:

1. وسوسه: شیاطین ممکن است بخواهند از طریق وسوسه درونی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) اثر بگذارند.

2. تحریک دشمنان: شیاطین دشمنان پیامبر را تحریک می‌کنند تا ایشان را آزار دهند.

و يكون ذلك منه في الرسول بوجهين: أحدهما: بالوسوسة والآخر بأن يبعث أعداءه على إيذائه، وكذلك القول في المؤمنين، لأن الشيطان يكيدهم بهذين الوجهين، و معلوم أن من ينقطع إلى الله تعالى و يسأله أن يعيذه من الشيطان، فإنه يجب أن يكون متذكراً متيقظاً فيما يأتي و يذر، فيكون نفس هذا الانقطاع إلى الله تعالى داعية إلى التمسك بالطاعة و زاجراً عن المعصية [7]

فخر رازی این دو وجه را نه تنها برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بلکه برای مؤمنان نیز مطرح می‌کند و تأکید دارد که شیاطین از این دو طریق تلاش می‌کنند بر مؤمنان اثر بگذارند.

بر اساس این دیدگاه، همزات الشیاطین را می‌توان به صورت دفع مطلق از سوی شیاطین در نظر گرفت که شامل انواع شرارت‌ها و توطئه‌های آنها است: از جمله شرک، تکذیب، ایذاء، استهزاء، انکار، و نسبت‌های ناروا. جمع بودن کلمه همزات نیز

به انواع و تعدد این کیدها و شرارت‌ها اشاره دارد.

این استدلال نشان می‌دهد که مفهوم همزات الشیاطین به وسوسه‌های قلبی محدود نمی‌شود، بلکه به تمامی کیدها و توطئه‌های شیاطین علیه پیامبر و مؤمنان اشاره دارد. در این راستا، تفسیر آیه به گونه‌ای است که به مقام عصمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آسیبی نمی‌رساند، زیرا وسوسه‌های قلبی به معنای تأثیرپذیری از شیاطین در قلب معصومین نفی شده است.

تفسیر فخر رازی از وسوسه‌های شیطانی

فخر رازی در تفسیر خود ذیل آیه «وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» [8]، دیدگاه خود را در مورد نزغ شیطان بیان می‌کند. او نزغ را به وسوسه‌های درونی معنا نمی‌کند و معتقد است که این آیه به معنای وقوع نزغ در پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست، بلکه به صورت شرطی بیان شده است؛ شبیه آیه «لَئِنْ أَشْرَكْتَ» که شرطی محال و غیرواقعی را مطرح می‌کند. وی می‌گوید اگر نزغی از شیطان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برسد، باید به خدا پناه برد، اما در واقع چنین چیزی رخ نمی‌دهد.

المسألة الثالثة: احتج الطاعنون في عصمة الأنبياء بهذه الآية و قالوا: لو لا أنه يجوز من الرسول الإقدام على المعصية أو الذنب، و إلا لم يقل له و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ و الجواب عنه من وجوه:

الأول: أن حاصل هذا الكلام أنه تعالى قال له: إن حصل في قلبك من الشيطان نزغ، كما أنه تعالى قال: لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ [الزمر: 65] و لم يدل ذلك على أنه أشرك. و قال: لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا [الأنبياء: 22] و لم يدل ذلك على أنه حصل فيهما آلهة. الثاني: هب أنا سلمنا أن الشيطان يوسوس للرسول عليه السلام، إلا أن هذا لا يقدر في عصمته، إنما القادح/ في عصمته لو قبل الرسول وسوسته، و الآية لا تدل على ذلك.

عن الشعبي قال: قال رسول الله صَلَّى الله عليه و سَلَّمَ: «ما من إنسان إلا و معه شيطان» قالوا: و أنت يا رسول الله قال: و أنا و لكنه أسلم بعون الله، فلقد أتاني فأخذت بحلقه، و لو لا دعوة سليمان لأصبح في المسجد طريحا [9]

وی در ادامه می‌گوید: حتی اگر فرض کنیم شیطان وسوسه‌ای در پیامبر ایجاد کند، این وسوسه قادح در عصمت نیست، مگر آنکه پیامبر آن وسوسه را بپذیرد که چنین امری هرگز رخ نمی‌دهد.

فخر رازی برای تأیید دیدگاه خود به روایتی از شعبی اشاره می‌کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هیچ انسانی نیست مگر اینکه همراه او شیطانی هست.» اصحاب پرسیدند: «حتی شما ای رسول خدا؟» ایشان فرمودند: «بله، اما به عون الهی شیطان تسلیم من شده است.» همچنین، در ادامه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «شیطان نزد من آمد و من حلق او را گرفتم و خفه کردم.» این نقل‌ها تأکید می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) تحت حفاظت الهی از وسوسه‌های شیطان مصون بوده و هرگز پذیرای آنها نبوده است.

مانند این روایات در منابع اهل سنت مشاهده می‌شود؛ ابو هریره روایتی نقل می‌کند که واضح است از مجعولات او است. وی می‌گوید: «شیطان در محل نمازم ظاهر شد، او را از حلقش گرفتم و خفه کردم تا اینکه عقب‌نشینی کرد؛ من حتی سردی زبانش را بر پشت دستم احساس کردم.» [10] این روایت در منابع مختلف اهل سنت نقل شده و نشان‌دهنده تقابل مستقیم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با شیطان است. جالب توجه اینکه برخی از علمای اهل سنت، این روایت را دارای اسناد صحیح یا حسن دانسته‌اند.

نقد حضرت استاد بر تفسیر فخر رازی

در بررسی روایت «ما من إنسان إلا و معه شيطان» که فخر رازی مطرح کرده، باید توجه داشت که این تعبیر در روایات ما وارد نشده است. اما در کتب حدیثی شیعه مانند البرهان و نور الثقلین روایتی با مضمون مشابه از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است. بر اساس این روایت، فردی از امام می‌پرسد که گاهی بدون دلیل مشخصی خوشحال یا ناراحت می‌شود. امام در پاسخ می‌فرماید: هیچ انسانی نیست مگر آنکه همراه او یک فرشته و یک شیطان وجود دارد. خوشحالی انسان ناشی از نزدیکی فرشته و ناراحتی او ناشی از نزدیکی شیطان است. سپس امام آیه «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ» [11] را ذکر می‌کند.

با این حال، باید توجه داشت که این روایت نیز همانند تعبیر فخر رازی، مربوط به غیرمعصومین است. معصومین (علیهم السلام) از این قاعده مستثنا هستند، چرا که قرآن نیز به روشنی بیان می‌کند: «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ». طبق این آیه، شیطان نمی‌تواند بر بندگان مخلص خدا تأثیری بگذارد. بنابراین، وعده فقر و دعوت به فحشا که در آیه مذکور ذکر شده، انصراف به نوع بشر و افراد عادی دارد و شامل معصومین (علیهم السلام) نمی‌شود.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

منابع

علاوه بر قرآن.

النسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، السنن الكبرى، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1421.
جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بيروت، دار العلم للملايين، 1376.
زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل، بی‌جا، 1407.
سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، قم - ایران، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي (ره)، 1404.

طباطبایی، محمد حسین، المیزان في تفسير القرآن، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، 1352.
طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان في تفسير القرآن، 10 ج، تهران، ناصر خسرو، 1372.
فخر رازی، محمد بن عمر، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، بيروت، دار إحياء التراث العربي، 1420.

پاورقی

[1] قرآن: سوره ص، آیه 83.

[2] جوهری، اسماعیل بن حماد، «الصحاح»، ج 3، ص 902.

[3] طبرسی، فضل بن حسن، «مجمع البیان في تفسير القرآن»، ج 7، ص 185.

[4] طباطبایی، محمد حسین، «المیزان في تفسير القرآن»، ج 15، ص 65.

[5] سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، «الدر المنثور في التفسير بالمأثور»، ج 5، ص 14.

[6] زمخشری، محمود بن عمر، «الکشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل»، ج 3، ص 202.

[7] فخر رازی، محمد بن عمر، «التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)»، ج 23، ص 292.

[8] «قرآن کریم»، سوره اعراف، آیه 200.

[9] فخر رازی، محمد بن عمر، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، ج 15، ص 436.

[10] «أَخْبَرَنَا عَمْرُو بْنُ عُثْمَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا بَقِيَّةٌ قَالَ: حَدَّثَنِي الزُّبَيْدِيُّ قَالَ: أَخْبَرَنِي الزُّهْرِيُّ، عَنْ سَعِيدٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَيْنَا أَنَا قَائِمٌ أُصَلِّي اعْتَرَضَ لِي الشَّيْطَانُ، فَأَخَذْتُ بِحَلْقِهِ فَخَنَقْتُهُ حَتَّى إِنِّي لَأَجِدُ بَرْدَ لِسَانِهِ عَلَى إِبْهَامِي، فَرَحِمَ

اللّٰهُ سُلَيْمَانَ لَوْلَا دَعْوَتُهُ أَصْبَحَ مَرْبُوطًا تَنْظُرُونَ إِلَيْهِ» خَالَفَهُ أَبُو سَلَمَةَ فِي لَفْظِهِ (النسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي

الخراساني، «السنن الكبرى»، ج 1، ص 294).

[11] «قرآن کریم»، سوره بقره، آیه 268.